

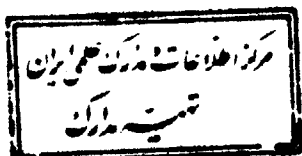
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲۲۷۲.

۱۳۳۸ / ۲ / ۲۹



دانشگاه قم



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع:

پیشینه رویکرد خاورشنان به قرآن و تحلیل آن

استاد راهنما

آقای دکتر جعفر نکونام

استاد مشاور

آیت ا... محمد هادی معرفت

نگارنده

تقی صادقی

زمستان ۷۷

۲۴۷۲۰

۱۴۸۵ / ۲

تقدیم

ای شهید! ای جاری گلگون!

جایت از پندار ما بیرون

هر گل سرخی که می‌کاریم

زیر لب نام تو را داریم

ای عزیز! بضاعتی مزجاة است که از شاگردی کوچک تقدیم استادی
بزرگ می‌گردد. تو که با شهادت خویش آخرین درس، درس چگونگی رفتن را به
شاگردانت آموختی؛ چنانکه پیش از آن عشق، محبت و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام
و در یک کلام چگونگی زیستن را از تو آموخته بودیم.

اما مپنداری که این ارمغان را در خود بزرگی چون تو می‌دانم، بلکه مرهمی
است بر دل آتش گرفته‌ام که هنوز خاطره پرواز شکوهمندت دل و جان را
می‌سوزاند؛ و این آتش نه از آن روی است که تو پرگشودی و رفتی، بلکه درد و
داغ ماندن شعله سوزان جانمان شده است.

برادرم مصطفی! من بر عهد خویش مانده‌ام و می‌دانم که کریمان بر وفای
عهد سزاوارترند.

سپاس و قدردانی

پس از حمد و ثنای الهی، سپاس خویش را نثار همه بزرگوارانی می‌نمایم که این حقیر را در زمینه‌های گوناگون تحقیق یاری نموده‌اند. اگر چه این عزیزان را نیازی به قدردانی بنده نیست؛ اما به رسم ادب با ذکر اسامی ایشان، دین خویش را ادا کرده و پاداش وافی ایشان را از خداوند مسألت دارم. این بزرگواران عبارتند از:

۱. جناب آقای دکتر جعفر نکونام که در تمامی مراحل دستم بگرفتند و پا به پا بردند.
۲. حضرت آیت‌الله محمد هادی معرفت که با ارشادات خویش دریچه‌های پژوهش را برای زمانی فراتر از این رساله بر این جانب گشودند.
۳. مسئولین محترم مرکز فرهنگ و معارف قرآن که گنجینه‌ای بی‌بدیل از منابع قرآنی را برای پژوهشگران فراهم آورده‌اند و به راستی که جز با استمداد از این گنجینه راه پژوهش قرآنی دشوار خواهد بود.
۴. مسئولین محترم مرکز کامپیوتر دانشگاه فردوسی مشهد که با تحمل زحمات بسیار امکان دسترسی این جانب را به اطلاعات شبکه جهانی اینترنت فراهم آوردند.
۵. و بالاخره خانواده بزرگوار این جانب که سختی‌های دوران پژوهش را با شکیبایی پذیرا شده‌اند.

چکیده

موضوع پایان نامه «پیشینه رویکرد خاورشناسان به قرآن و تحلیل آن» بوده و در سه فصل تنظیم شده است.

فصل نخست به بررسی تعریفهای خاورشناسی و مراحل شکل‌گیری آن پرداخته و بیان ویژگیهای هر دوره به معرفی قرآن پژوهان آن می‌پردازد. دوره نخست خاورشناسی از آغازین روزهای آشنایی غرب با اسلام تا پایان جنگهای صلیبی ادامه داشته است. ولی با توجه به اینکه آگاهی غربیها از اسلام و قرآن در این دوره بسیار ناقص بوده؛ فقط به معرفی دو اثر برجسته این دوره اکتفا شده است که عبارتند از: «مجموعه تولدو» و «ترجمه قرآن به زبان لاتین».

دوره دوم خاورشناسی از پایان جنگهای صلیبی تا اواخر قرن هجدهم میلادی را دربرمی‌گیرد. اگر چه در این دوره حجم اطلاعات غربیها از قرآن گسترش یافت اما دگرگونی محسوسی در کیفیت آن حاصل نشد. قرآن پژوهان این دوره عبارتند از:

ریکولدو دامونته کروس، ریموند مارتینی، سگویا، بیلیاندر، اریپنیوس، دوریه، گرمانوس سیلیزیایی، گالان، ریلند، جرج سیل، جین کائیزر.

دوره سوم خاورشناسی که همان خاورشناسی مصطلح می‌باشد با ویژگیها و گستردگی و انسجام فراوانی پا به عرصه وجود گذاشته و آثار قرآنی بسیاری از خویش بر جای نهاده است. علاوه بر آنکه پیدایش مدارس خاورشناسی مستقل و وابسته، به آن تنوع ویژه‌ای بخشیده است. بخش پایانی این فصل به معرفی اولین خاورشناس و مدارس خاورشناسی و همچنین ذکر اسامی قرآن

پژوهان این دوره اختصاص یافته است.

در فصل دوم برای آشنایی تفصیلی با نخبگان خاورشناسی و کیفیت مباحث قرآنی آنان به معرفی تعدادی از آنها، به ترتیب تاریخی، پرداخته شده است. در این فصل تلاش گردیده تا با مراجعه مستقیم به اصل یا ترجمه آثار، تصویری حقیقی از مواضع آنها ارائه گردد.

این افراد عبارتند از:

گوستاو فلوگل، ژول لابوم، ثودور نولدکه، ایگناتس گلدزیهر، آرتور جان آربری، رژی بلاشر، آرتور جفری، ریچارد بل، ویلیام مونتگمری وات، جان بُرتون.

در پایان این فصل به منظور آشنایی با مباحث جدید خاورشناسی پیرامون قرآن، به معرفی مقاله‌ای از شبکه جهانی اینترنت نیز پرداخته شده است. فصل سوم به نقد سه مورد از موضوعات قرآنی مورد توجه خاورشناسان اختصاص یافته است در این فصل تلاش شده است تا با رعایت انصاف و موازن علمی، مهمترین موضوعات مورد توجه خاورشناسان را در دو بعد علوم قرآنی و معارف قرآنی مورد نقد قرار داده و نمونه‌هایی از ضعفهای آنان را در موضوعات اسلامی بنمایانیم. این موضوعات عبارتند از: وحی، حروف مقطعه و مصادر قرآن.

(۵)

فهرست مطالب

۹	فصل ۱ / مدخل
۱۰	۱-۱) تعریف خاورشناسی
۱۱	۱-۱-۱) تعریف لغوی خاورشناسی
۱۴	۱-۱-۲) تعریف اصطلاحی خاورشناسی
۱۹	۱-۲) انگیزه‌های خاورشناسی
۱۹	۱-۲-۱) استعمار
۲۲	۱-۲-۲) ترویج مسیحیت یا تبشیر
۲۳	۱-۳) پیشینه خاورشناسی
۲۵	۱-۳-۱) دوره اول خاورشناسی
۳۲	۱-۳-۲) دوره دوم خاورشناسی
۴۰	۱-۳-۳) دوره سوم خاورشناسی
۴۶	۱-۴) معرفی اولین خاورشناس
۴۸	۱-۵) مدارس خاورشناسی
۴۹	۱-۵-۱) مدارس خاورشناسی فرانسه و انگلیس
۵۱	۱-۵-۲) مدرسه خاورشناسی آمریکا
۵۲	۱-۵-۳) مدرسه خاورشناسی آلمان
۵۴	۱-۶) جدول خاورشناسان قرآن پژوه
۵۹	فصل ۲ / خاورشناسان قرآن پژوه و آثار قرآنی آنان
۶۰	۲-۱) گوستاوفلوگل (۱۸۰۲ م - ۱۸۷۰)
۶۲	۲-۱-۱) معرفی کتاب «نجوم الفرقان فی اطراف القرآن»
۶۳	۲-۲) ژول لابوم
۶۴	۲-۲-۱) معرفی کتاب «تفصیل آیات القرآن الکریم»
۶۵	۲-۳) تئودونولدکه (۱۸۳۶ - ۱۹۳۱)
۶۶	۲-۳-۱) معرفی کتاب «تاریخ قرآن»
۶۹	۲-۴) ایگناتس گلدزیهر (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱)
۷۰	۲-۴-۱) معرفی کتاب «روشهای تفسیری قرآن در میان مسلمانان»
۷۶	۲-۵) آرتور جان آبربی (۱۹۰۵ - ۱۹۶۹ م)
۷۹	۲-۵-۱) معرفی کتاب ترجمه قرآن
۸۱	۲-۶) رژی بلاشر (۱۹۰۰ - ۱۹۷۳)
۸۳	۲-۶-۱) معرفی کتاب «درآمدی بر قرآن»

- ۸۶ آر تور جفری (۲-۷)
- ۸۸ معرفی مقدمه کتاب المصاحف و مجموعه Materials (۲-۷-۱)
- ۹۰ معرفی ضمیمه کتاب المصاحف و (Materials) (۲-۷-۲)
- ۹۱ معرفی کتاب واژه‌های دخیل در قرآن مجید (۲-۷-۳)
- ۹۳ ریچارد بیل (۲-۸)
- ۹۳ معرفی کتاب «مقدمه قرآن» (۲-۸-۱)
- ۹۷ ویلیام مونتگمری وات (۲-۹)
- ۹۸ معرفی کتاب «مقدمه قرآن» (۲-۹-۱)
- ۱۰۵ جان برتون (۲-۱۰)
- ۱۰۵ معرفی کتاب گردآوری قرآن (۲-۱۰-۱)
- ۱۱۱ معرفی مقاله‌ای از شبکه کامپیوتری Inrernet با عنوان مسائلی پیرامون (۲-۱۱)
- ۱۱۱ منابع اسلامی:
- ۱۱۵ فصل ۳ / موضوعات قرآنی مورد توجه خاورشناسان
- ۱۱۷ وحی (۳-۱)
- ۱۳۷ حروف مقطعه (۳-۲)
- ۱۴۷ مصادر قرآن (۳-۳)
- ۱۶۴ پیوست. «تفاوت دیدگاه خاورشناسی و اسلامی نسبت به قرآن»
- ۱۶۸ کتابنامه

فصل ۱. مدخل

۱. تعریف خاورشناسی
۲. انگیزه‌های خاورشناسی
۳. پیشینه خاورشناسی
۴. دوره‌های خاورشناسی
۵. معرفی اولین خاورشناس
۶. مدارس خاورشناسی
۷. فهرست نویسندگان و آثار مدارس خاورشناسی

اگر چه عنوان خاورشناسی در نگاه اولیه روشن و بدون ابهام به نظر می‌رسد اما با ورود به بحث پیچیدگی خاصی رخ می‌نماید. از طرفی شایسته نیست که در تعریف موضوع سخن چندان به درازا کشیده شود و از طرفی دیگر وجود تعاریف متنوع و دور از هم پژوهشگر را با مشکلی بزرگ در تعیین دامنه تحقیق مواجه خواهد ساخت؛ زیرا التزام به هر تعریفی، محدوده و ویژه‌ای را برای پژوهش می‌طلبد. به عنوان مثال اگر خاورشناسی را تنها عبارت از پژوهشهای انجام شده پیرامون شرق بدانیم، این تعریف از دو عنصر جامعیت و مانعیت تهی خواهد شد. زیرا اولاً بر اساس این تعریف کشورهای غیر آسیایی از این محدوده خارج می‌شوند و ثانیاً پژوهشهای غیر غربی وارد این مجموعه می‌گردد. واضح است که این مساله بحث را به زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و تخصصی متفاوتی رهنمون خواهد شد. نکته مهم دیگر در این زمینه آن است که وقتی موضوع تحقیق، یافتن پیشینه رویکرد به خاورشناسان به قرآن باشد، نمی‌توان از پیش خود اصطلاحی را فرض نموده و پیرامون آن بحث کرد. بلکه لازم است تا در حد توان ماهیت موضوع شناسایی شده و ادامه بحث بر آن مبتنی گردد.

این فصل عهده‌دار ارائه تعریفی روشن با دامنه مشخصی از خاورشناسی بوده و بسترهای پدید آورنده آن را عرضه می‌دارد. علاوه بر آنکه سعی شده است ارتباط مباحث با موضوعات قرآنی محفوظ بماند؛ به همین منظور در هر دوره‌ای از دورانهای خاورشناسی به بیان ویژگیهای دوره و فعالیت‌های قرآن پژوهی آن در حد توان پرداخته شده است.

۱ - ۱) تعریف خاورشناسی

«خاورشناسی» یا «شرق شناسی» که در عربی از آن به «استشراق» یاد می‌شود؛ معادل واژه انگلیسی *orientalism* می‌باشد. اگر چه اجزاء ترکیب خاورشناسی از دیرباز در تمامی زبانها، وجود داشته است؛ اما هیچکدام از فرهنگها، تا پیش از سال ۱۷۷۹م.^(۱) یا ۱۷۸۰م.^(۲)

۱. آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره، ص ۲۳.

۲. شرق شناسی، ادوار سعید، ص ۳۷۶.

که این واژه در زبان انگلیسی پدید آمد، با آن آشنایی نداشتند. سیر تحول مفهومی این واژه نشان می‌دهد که ظاهراً کلمه orientalist ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شده است؛ سپس در سال ۱۸۱۲ م. در فرهنگ آکسفورد به معنای «شرق شناسی» به کار رفته است.^(۱)

گفتنی است، واژه orientaliste برای نخستین بار، در سال ۱۷۹۹ م. به زبان فرانسه و به سال ۱۸۳۸ م.^(۲) یا ۱۸۱۲ م. به فرهنگ آکادمی فرانسه وارد شد.^(۳)

۱-۱-۱) تعریف لغوی خاورشناسی

چنانکه اشاره شد واژه orientaliste مرکب از دو جزء است: oriental و پسوند ism. فرهنگ آکسفورد این دو جزء را چنین معنا کرده است:

oriental = eastern (orient) countries of the (far) east. (egjapan, china)^(۴)

ism: any distinctive practice, system or philosophy.^(۵)

این فرهنگ واژه orientalism را نیز چنین معنا کرده است:

orientalism: studies the language, arts, etc of oriental countries.^(۶)

بنابراین؛ «شرق شناسی» به مفهوم مجموعه‌ای از آگاهیها پیرامون شرق است. در این تعریف، شرق دارای معنایی جغرافیایی است و در اصطلاح جغرافیایی خاور، عمدتاً، شامل کشورهای آسیایی می‌شود با این تفاوت که در فرهنگ آمریکایی، به احتمال بسیار، تنها به خاور دور؛ یعنی: چین و ژاپن، شرق اطلاق می‌گردد.^(۷)

سه مفهوم رایج از شرق موجود است. نخستین مفهوم آن که معادل واژه انگلیسی «east» می‌باشد عبارت است از؛ جهت جغرافیایی هر نقطه که روی به جانب دمیدن خورشید دارد. دومین مفهوم «شرق»، که آن نیز معنایی جغرافیایی دارد؛ معادل واژه انگلیسی «orient» می‌باشد که عبارت است از؛ سمت مشرق کره زمین، یعنی، آسیا با اقسام

۱. برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۸۱.

۲. الاسلام والاستشراق، ص ۸۵.

۳. آراء المستشرقین حول القرآن وتفسیره، ص ۲۳.

۴. فرهنگ Oxford، ص ۸۷۳ (شرق عبارت است از کشورهای شرق (دور) مانند: ژاپن، چین.

۵. همان، ص (هر فعلیت، سیستم یا فلسفه شخصی را گویند).

۶. همان، ص (خاورشناسی: مطالعه زبان، هنر و دیگر امور کشورهای شرقی).

۷. شرق شناسی، ص ۱۴.

سه گانه اش: خاور دور، خاورمیانه و خاور نزدیک. اما مفهوم «شرق»، در اصطلاح خاورشناسی، معنایی فرا جغرافیایی داشته و ترکیبی از دومین مفهوم جغرافیایی و مفهومی فکری - عقیدتی است.

توضیحی که در پی می خوانید، عهده دار تبیین مفهوم مشرق. در اصطلاح خاورشناسی است. پس از آن به ارائه سه گونه تعریف از خاورشناسی منطبق با همین شناسایی و تجزیه و تحلیل از مفهوم «شرق» پرداخته خواهد شد.

چنانکه پیش از این اشاره شد «خاورشناسی» ابداعی غربی است؛ همانطور که بسیاری از اصطلاحات سیاسی جهان امروز برخاسته از تقسیم بندیها و بلوک بندیهای خاص غربی بوده و بر مبنای مقبولات ایشان صورت گرفته است. نمونه این اصطلاحات را می توان جهان پیشرفته، کشورهای در حال توسعه و عقب مانده برشمرد. آنچه در این تقسیم بندی مورد توجه است عرف جوامع وضع کننده و معیارهای آنها است و هیچ توجهی به ملاکها و معیارهای سایر ملل نمی شود. اما شگفت انگیز آن که، این گونه اصطلاحات، حتی در میان ملت هایی که از آنها تعبیر به عقب مانده، هم می شود، جا باز کرده و آنها نیز خود را با همین تعریفها می شناسند.

واژه «خاورشناسی» و حتی اصطلاح «شرق» نیز داستانی از این دست دارند. اگر چه «شرق» در نگاه اولیه از بار معنایی جغرافیایی برخوردار است، اما «شرق» خاورشناسی، صرفاً مفهومی جغرافیایی ندارد، زیرا دامنه شرق جغرافیایی تنها شامل اقسام سه گانه آسیا می گردد. در حالیکه گستره مطالعات خاورشناسی، بسیاری از جوامع دیگر از جمله آفریقا را هم وارد محدوده شرق نموده است. بنابراین باید پذیرفت که عنصر دیگری هم، در تعریف «شرق» دخالت داشته باشد. حال کدام عنصر یگانه شرقی است که موضوع پژوهشهای خاورشناسی شده است و یا به عبارتی روشن تر کدام عنصر است که جوامع شرقی را به عنوان مجموعه ای واحد برای مطالعات خاورشناسی به هم پیوند زده است؟ آیا عنصر نژاد این نقش را ایفا می کند؟ یا عامل زبان شناختی و آداب و رسوم مشترک؟ پیداست که هیچ کدام از این موارد محور اتحاد شرق نیست؛ زیرا چنین عوامل مشترکی در این جوامع وجود ندارد. و باز آیا ادیان شرقی می توانند این نقش را دارا باشند؟ ناگفته پیداست که این عامل نیز نمی تواند همانند عنصری وحدت بخش در نمایش شرق، ایفای نقش کند. به راستی! چگونه می توان میان ادیان متفاوت و متضاد شرقی یگانگی مشاهده

کرد؟ آیا می‌توان، خرافه پرستی‌های شینتوئیسم و تثلیث مسیحیت و بت پرستی‌های هندویی و آتش پرستی زرتشتی را با هم و هر کدام از آنها را با توحید اسلامی جمع نمود؟ هرگز وجه مشترکی میان دهها مذهب و مرام و مسلک شرقی، که دائماً در جدال با یکدیگر به سر می‌برند، نمی‌توان یافت.

بنابراین باید اعتراف کرد که این عامل در دورن جوامع شرقی وجود ندارد. مفهوم این سخن آن است که شرق خاورشناسی نیز معنایی غربی دارد. یعنی غرب آنگونه که خود می‌پسندیده و مصلحتش اقتضا می‌کرده به تصویر شرق پرداخته است. البته این سخن، بدان معنا نیست که شرق در این اصطلاح واقعیت خارجی ندارد بلکه بدین معنا است که شرق خاورشناسی نسبت اندکی با حقیقت دارد. برای آنکه بتوانیم راحت‌تر به نتیجه دست یابیم، بهتر است به برداشت غربیان از شرق و توصیف آن؛ از دیدگاه آنان بپردازیم که عبارت از تصویری تقریباً تخیلی از شرق بوده و از دیرباز آرمان شهر انسان غربی را تشکیل می‌داده است، شهری با انسانهایی ضعیف و ناتوان که انسان غربی، هرگونه بخواهد به آن شکل و سامان می‌دهد. برخی از تصویرهایی که غربیان از شرق و انسان شرقی داشته و دارند در پی می‌آید: «شرق از دیرباز خاستگاه ماجراهای عاشقانه، آدمهای بیگانه، خاطرات و سرزمینهای به یادگار ماندنی و تجربیات برجسته بود.»^(۱) انسان شرقی نمی‌تواند نماینده خویش باشد باید کسی نماینده آنها شود،^(۲) دقت عمل در ذهن انسان شرقی امری منزجرکننده و شنیع است. انسان شرقی بر خلاف انسان غربی، فردی بی منطق است. دروغگویی و عدم صحت عمل سبب یک ذهن شرقی است. ذهن یک انسان شرقی، مثل خیابانهای بدیع سرزمینش، به نحو بارزی فاقد تقارن و تناسب است.^(۳) سرزمین عربی، سرزمین افراط‌گری‌ها است، در اینجا همه چیز جوانه می‌زند و هر فرد ساده لوحی می‌تواند به نوبه خود یک پیامبر شود»^(۴)

آنچه آمد، تعریف گونه‌ای از «شرق» مورد نظر اکثر غربیان است. در حقیقت، شرقی که قسمت عمده آن را آسیا تشکیل می‌دهد، سرزمینی است، دست نخورده و مستعد با انسانهایی پست‌تر از نژاد اروپایی که رسالت تربیت و اداره او به عهده انسان غربی نهاده

۱. شرق شناسی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۷۴ و ص ۷۵.

۴. همان، ص ۳۲۳.

شده است. این تعریف از «شرق» را نباید به دورانهای قرون وسطا و جهالت کهن غربیان محدود ساخت. زیرا این تعریف هنوز هم جایگاهی برجسته در میان آنها دارد. نتیجه طبیعی چنین شناختی آن است که هیچ فضیلت و کمالی در هیچ زمینه‌ای از انسان شرقی مورد قبول و تأیید واقع نشود. بنابراین هرگاه فضیلت غیر قابل انکاری هم دیده شود، باید آن را به نوعی بدعت شرقی از فرهنگ غرب توجیه کرد؛ درست همان رفتاری که غربیان قرن‌ها است با آداب، فرهنگ، زبان، قانون و ادیان شرقی به عمل می‌آورند. در این تحلیل همه چیز شرقی باید سرچشمه غربی داشته باشد و براساس این قانون، هیچ کمال شرقی نباید به پای کمالات غربی برسد؛ بر این اساس پیامبر اسلام ﷺ، بدعت‌گذاری نسطوری و قرآن، کتابی نشأت گرفته از عهدین و فقه اسلامی برخاسته از قانون روم معرفی می‌گردد.^(۱)

۲-۱-۱) تعریف اصطلاحی خاورشناسی

صاحب کتاب «آراء المستشرقین حول القرآن وتفسیره» خاورشناسی را چنین تعریف می‌کند:
 خاورشناسی عبارت است از مطالعه غربیها پیرامون باورها، تاریخ، آداب و دیگر امور شرق^(۲)

عنصری که در این تعریف بارز است، همان تمایز میان شرق و غرب می‌باشد و بنابراین تعریف تنها مطالعاتی را که از ناحیه غربیان درباره شرق صورت گرفته است، خاورشناسی

۱. طبیعی است که این پندار به ردیلت اخلاقی خطرناکی چون غرور و نخوت می‌انجامد و البته این چیزی نیست که تنها در خارج از جامعه غرب بدان اعتراض شود، بلکه امروزه تعدادی از اندیشمندان غربی نیز خیرخواهانه جامعه‌هایشان را از این آفت بزرگ می‌هراساند چنانکه ویلفرد کنت ول اسمیت در این باره می‌گوید:
 «حاصل بیش از ۲۰ سال مطالعه در مورد شرق و مدت کمی هم در مورد آفریقا مرا به این نتیجه رسانده است که عیب اساسی تمدن غربی ما در ایفای نقش خود و در تاریخ جهان، غرور و نخوت است که به کلیسای مسیحیت نیز سرایت کرده است.» (برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۸۲).

آقای وات نیز در این زمینه چنین نوشته است:
 «البته درست است که اروپائیان از نظر کاربرد علوم و تکنولوژی در جنبه‌های مادی زندگی، بر اتباع خویش برتری عظیمی داشتند لکن این افضلیت را با برتری اخلاقی اشتباه گرفتند و از این رو شرقی را از نظر اخلاقی موجود پست‌تری پنداشتند.» (برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، ص ۱۵۵)

حال شاید بتوان انگیزه مخالفت قاطع و مطلق برخی از پژوهندگان شرقی را با مطالعات شرق‌شناسی دریافت. چنانکه آقای شفیمی کدکنی «ریک موضعگیری شدید در برابر خاورشناسی می‌گوید: «اگر مستشرقی گفت ماست، سفید است» همیشه جای این احتمال را در ذهن خود نگاه دارید که یا ماست اصلاً سفید نیست، یا اثبات سفیدی ماست مقدمه‌ای است برای نفی سیاهی زغال» مجله مشکوة، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۱۷۰

۲. آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره، ص ۲۳.

می‌نامیم. استاد احمد حسن زیات^(۱) و فرهنگ فارسی عمید نیز همین تعریف را از شرق ارائه نموده‌اند. فرهنگ «المورد» و خاورشناس معاصر آلمانی رودی پارت همین تعریف را پذیرفته‌اند. با این تفاوت که اشاره‌ای به غربی بودن پژوهشگران خاورشناس ننموده‌اند.^(۲)

ماکسیم رودنسون خاورشناس معروف فرانسوی خاورشناسی را این چنین معرفی کرده است: «خاورشناسی یک جهت‌گیری علمی برای مطالعه شرق اسلامی و تمدن آن می‌باشد.»^(۳)

تعریف اخیر علاوه بر آنکه بر نوعی استقراء استوار است، اشکالات تعاریف دیگر را نیز در عدم تبیین مفهوم و محدوده شرق دارا می‌باشد. البته سخن وی در بیشتر موارد صحیح است؛ زیرا حجم مطالعاتی که در زمینه شرق اسلامی صورت پذیرفته است، وجه غالب آثار خاورشناسی را تشکیل می‌دهد.

می‌توان گفت سه گونه تعریف از خاورشناسی ارائه شده است که دو نوع نخست آن را خاورشناسی عام و نوع آخر را خاورشناسی خاص یا مصطلح می‌نامیم.

تعریف نخست که تبیینی آکادمیک از شرق می‌باشد، همان است که در گذشته به آن اشاره شد؛ یعنی این که گفته شود، خاورشناسی پژوهشی است پیرامون آداب، زبان، ادیان، تاریخ و دیگر امور شرق. بنابراین هر کس که درباره شرق درس می‌دهد، چیز می‌نویسد و تحقیق می‌کند - چه آنکه انسان شناس، جامعه شناس، مورخ، و زبان شناس باشد - یک شرق شناس است و کاری که می‌کند، شرقی شناسی است.^(۴)

در این تعریف ارتباط روشنی میان گروه‌های گوناگون پژوهشی درباره شرق جز آنکه این پژوهشها پیرامون شرق هستند وجود ندارد. به راستی اگر همین وجه به تنهایی موجب این همبستگی گشته و توانسته است همگی را تحت عنوان خاورشناس در یک جا گرد آورده و هر از چندی کنگره‌ها و سمینارها پیرامون آن تشکیل شده باشد و در طی حداقل دو قرن با نهادها و تشکلهای خویش پایدار مانده و به حوزه‌های عملی هم راه یافته باشد، باید در سایر موضوعات جغرافیایی هم مشابه این تشکلهای پدید آید، مثلاً؛ نهادهایی با

۱. الموسوعة الذهبية للعلوم الاسلامية، فاطمه محبوب، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲. الاسلام والاستشراق، ص ۸۴.

۳. الاسلام و شبهات المستشرقين، ص ۳۱.

۴. شرق شناسی، ص ۱۵.